

نظام بانکی از ماجرای آینده چه درس هایی باید بگیرد

فروپاشی تدریجی یک بنای مجلل

درحالی که نظام اسلامی مان، آماج تهدیدها و تحریم های دیر پای دشمنان کینه‌توز و استکبار جهانی است تا صدای استقلال طلبی و آزادی خواهی انقلاب اسلامی خاموش نشود، حفظ و صیانت از سرمایه اجتماعی نظام یا همان برساخته امام راحل عظیم الشان، «وحدت کلمه»، واجبی همیشگی است که می بایست دائم رصد و از کِیان آن مراقبت شود. نظام حکمرانی اقتصادی چه در حوزه پولی و بانکی و چه در حوزه بازار سرمایه، از منطقه‌هایی است که اگر



گزیربگوز آینده؟

بانک آینده بالاخره پس از سال‌ها تحمیل زیان به اقتصاد کشور تعیین تکلیف شد و به اصطلاح وارد فرایند گزیر شد؛ چراکه امکان بازسازی و احیای آن وجود نداشت و هر یک ماه تداوم حیاتش چند همت به زیان انباشته و اضافه برداشتش از بانک مرکزی می‌افزود؛ در بازه زمانی بهار ۱۴۰۴ بیش از ۳۷ همت زیان خالص تولید کرده بود. به عبارت دیگر عملیات اصلی بانک که تسهیلات‌دهی و جذب سپرده است منجر به بیش از ۱۲ همت زیان ماهانه شده است. مانده بدهی بانک آینده به بانک مرکزی ناشی از اصل اضافه برداشت و جریمه آن تا این مقطع، بیش از ۴۴۴ همت معادل ۴۲ درصد از کل بدهی شبکه بانکی به بانک مرکزی و زیان انباشته بانک بیش از ۵۰۲ همت یعنی تقریباً معادل کل بودجه عمرانی کشور بوده است! اکنون که گام اول در خاموش کردن موتور تولید زیان برداشته شده است، سؤال این است که چه کنسی و از محل چه منابعی قرار است این حجم عظیم زیان را جبران کند؛ از منابع بانک ملی مشابه تجربه ادغام بانک‌های نظامی در بانک سپه؟ بانک مرکزی و از پایه پولی (منابع عمومی)؟ یا از محل فروش دارایی های بانک؟ یا از محل اموال شخصی سهامداران و مدیران بانک؟ و یا ترکیبی از این موارد؟

ممکن استست عموم مردم تصور کنند که بانک آینده با بانک ملی ادغام شده است و درنتیجه زیان بانک آینده به بانک ملی منتقل می‌شود که نتیجه‌ای جز فشار به منابع عمومی نخواهد داشت. اما مطابق با اظهارات رئیس کل بانک مرکزی، ادغام صورت نگرفته و یک ریال از زیان بانک آینده به بانک ملی منتقل نخواهد شد. همان طور که در

قانون حاضر، مجری غایب!

هم‌زمان با تعیین تکلیف بانک آینده و شش‌روغ فرایند گزیر آن، شاهد موجی از تحلیل‌ها له علیه بانک مرکزی بودهایم. در شرایط کنونی که شاهد اقدام مثبت و رویه‌جو از طرف بانک مرکزی برای ثبات‌بخشی وسلامت نظام بانکی هستیم، تنها کنش مغعولی که از تحلیل‌گران توقع می‌رود، تکمیل این جریان و نقد سازنده آن است. در تحلیل پیش‌رو دنبال آن هستیم که با بررسی اجمالی ظرفیت‌های قانونی و ظرفیت‌های اجرایی برای امر نظارت توسط بانک مرکزی، مهم‌ترین نهاد نظارتی در نظام بانکی را ارزیابی نموده و نظور تاریخی آن را در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۲ (زمان تأسیس بانک آینده تا زمان جدی‌ترین مداخله بانک مرکزی در این بانک) تحلیل نماییم. هدف، بررسی تناسب و تناظر ظرفیت اعمال اراده معاونت نظارت بانک مرکزی در نظام بانکی با وضعیت بانک آینده و رویه‌های معیوب آن است تا بتوان از لایه‌لای گذشته «آینده» دلالت‌هایی برای تکامل نهاد نظارت در نظام بانکی گرفت. این فرایند (یادگیری از تجربه تاریخی و بازمهندسی نهادها)، همان نیروی اصلی تکامل نهاد نظارت در نظام مالی کشور‌های توسعه‌یافته (از منظر اقتصادی) بوده و توجه به تجربه تاریخی جامعه خود برای مهندسی و ارتقای این نهاد، منجر به بلوغ و اثربخشی نهاد نظارت متناسب با پیچیدگی‌ها و گسترش روزافزون اکوسیستم پولی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

آیا مشکل از قواعد بانک مرکزی است؟

بانک آینده سال ۹۲ با ادغام یک بانک و دو مؤسسه اعتباری ایجاد شد. از همان بدو فعالیت، عملکردایی هایش از جنس همین دارایی‌های کنونی بود؛ اما با ابعادی بسیار کوچک‌تر. از حدود ۲۶ همت دارایی که بانک آینده با آن شروع کرد، ۴۱٪ (۸/۱۰ همت) آن تسهیلات اعطایی سه نهاد مالی قبلی بود که آن‌ها هم پروژه‌های حوزه مستغلات اشخاص تابعه و وابسته خود را تأمین مالی کرده بودند. ۳۷٪ (۶۴/۹ همت) هم دارایی‌های غیر نقدش‌شونده عودت‌داده‌شده به سه نهاد مالی قبلی بود. از طرفی در سمت چپ ترانزاکم، ۶/۷۷٪ از کل بدهی‌های بانک آینده در بدو شروع به فعالیت، مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بود. در نتیجه بانک آینده از یک طرف با پروژه‌های دیربازده و غیر مولد حوزه املاک و مستغلات و از طرف دیگر با انبوهی از سپرده‌ها که باید به آن‌ها سود می‌پرداخت، مواجه بود. لذا در همان ابتدا شکافدار آمد- هزینه و ریسک نقدینگی که تنها از بین نرفت، بلکه به مرور زمان شدت گرفت.

نکته اینجااست که بانک مرکزی در همان زمان نیز ظرفیت‌های قانونی خوبی برای تنظیم‌گری و نظارت بر این بانک داشت تا بتواند جلوی اتلاف بیشتر منابع بانکی بر سر پروژه‌هایی را که هیچ نفع عمومی برای جامعه نداشته و همچنین تناسبی با کسب‌کار ندارد، بگیرد. تعیین حدود مرز برای تسهیلات و تعهدات کلان، تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط، سرمایه‌گذاری‌های بانک و طبقه‌بندی مطالبات غیر جاری و نحوه ذخیره‌گیری آن‌ها نمونه‌ای از قواعد نظارتی است که در مقطع زمانی مورد بررسی وجود داشته است:

۱- آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات کلان بانک مرکزی مصوب آبان ۱۳۹۲^۱ پس از سه مرتبه اصلاح نسبت به نسخه‌های سابق خود، به نقطه خوبی رسیده بود. در سال ۱۳۹۴ (نخستین سال انتشار آمار تسهیلات و تعهدات کلان) ۶۴/۷۷٪ از کل تسهیلات بانک آینده را تسهیلات کلان تشکیل داده؛ اما تا سال

درست رعایت و مواظبت نشود، محملی و محلی برای ریزش سرمایه اجتماعی است. از این رو، یکی از خط به‌بحث‌هایی که طی سالیان اخیر در حوزه- مسئله حکمرانی نظام پولی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام محل مذاقه و پیگیری بوده، تجزیه و تحلیل عملکرد شبکه بانکی کشور است. در این زمینه یکی از ما موریت‌ها رصد و واکاوی عملکرد بانک‌های ناتراز، غیرشفاف و ناسالم بوده است. کارشناسان مرکز رشد در همکاری با گروه مالی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، خاصه در دو سال اخیر

تجربه حل وفصل مؤسسه نور با عاملیات بانک ملی چنین چیزی رخ نداد؛ توضیح آنکه دارایی‌های سمی و مشکل‌دار بانک آینده به نهاد متولی گزیر یعنی صندوق ضمانات سپرده منتقل شده و دارایی‌های جاری و بدون مشکل به همراه تمامی سپرده‌های این بانک نیز به بانک ملی منتقل شده است. البته باید توجه داشت که حجم شکاف بین دارایی و بدهی و اضافه برداشت بانک آینده هیچ وجه قابل قیاس با مؤسسه نور نیست. تا اینجا مشخص شد که هیچ زمانی به بانک ملی منتقل نمی‌شود؛ اما با توجه به اینکه میزان بدهی‌های منتقل شده به بانک ملی بیش از دارایی‌های منتقل شده است، لازم است بانک مرکزی خط اعتباری به بانک ملی تزریق کند. اکنون محل بحث آن است که آیا منابع تزریق‌شده توسط بانک مرکزی بازمی‌گردد یا خیر؟ در مورد جریان زیان و پرداخت تعهدات و بدهی‌های بانک در حال گزیر و به تعبیری جریان پایه پولی تزریق‌شده، ظرفیت‌های خیلی خوبی در قانون برنامه هفتم پیشرفت تمهید شده است.

مطابق بند ۱۵ ماده ۸ برنامه هفتم پیشرفت، پرداخت بدهی‌های مؤسسات اعتباری در حال گزیر به ترتیب از محل ۱- دارایی‌های سهامداران یا مدیران مقصر ۲- دارایی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر (بانک آینده) ۳- سهام و سایر حقوق سهامداران غیر مقصر انجام می‌شود. در تبصره ۱ این بند مرجع تشخیص تقصیر سهامداران یا مدیران مقصر راجع به ریزه‌رسیدگی به اختلافات بانکی موضوع ماده (۳۵) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران معرفی کرده است در تبصره ۲ نیز ظرفیت مضاعفی را در اختیار دستگاه قضایی قرار داده است؛ دادستان کل کشور مکلف است دارایی‌هایی

۱۳۹۸ که بانک مرکزی اولین بار در بانک مداخله نموده و ترتیبات خاصی را برای جلوگیری از رویه‌های معیوب این بانک بر آن حاکم می‌کند، این رقم به ۸۳/۹۳٪ از کل تسهیلات (۲۷ از همت به ۹۴ همت) افزایش یافته است (حدوداً ۵/۵ برابر حد مجاز).

۲- تسهیلات به اشخاص مرتبط نیز شرایط مشابهی در این دوره دارد. سال ۱۳۹۴ (اولین سیال انتشار آمار) ۳۸۳/۵ میلیارد (۹۴/۰٪) کل تسهیلات، عدم تخلف از حدود مقرر تسهیلات به اشخاص مرتبط بانک اشخاص داده شده و تا سال ۱۳۹۸ این رقم به ۵۴ همت (۵۸٪ کل تسهیلات) افزایش یافته است. چیزی حدود ۶۲ برابر حد مجازی که متناسب با سرمایه بانک در آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط بانک مرکزی تعیین گردیده است. تسهیلات کلان و تسهیلات اشخاص مرتبط نشان‌دهنده نحوه توزیع منابع بانک در نسبت با ذی‌نفعان و عاملان اقتصادی است. همان طور که مشاهده شد، علی‌رغم قوانین مشخص و صریح در این باره، بانک آینده به صورت یک روند فراینده در حال افزایش فاصله خود با حدود مقرر و در نتیجه تأمین مالی ترجیحی شبکه خود بوده است. مسیر دیگری که می‌تواند مصداق تأمین مالی ترجیحی قرار بگیرد، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بانک است. در حقیقت اصل شکل‌گیری شبکه بسته گروه مالی آینده از همین کانال سرمایه‌گذاری (مستقیم/غیرمستقیم) رقم خورده و می‌توان به خوبی این شبکه را صرفاً با بررسی روابط مالکیتی شناسایی نمود. برای جلوگیری از ایجاد چنین شبکه‌هایی، بانک مرکزی برای این مسیر نیز قواعدی تنظیم کرده است. دستورالعمل سرمایه‌گذاری مؤسسات اعتباری (۱۳۸۶) و حدود سسر سرمایه‌گذاری بانک‌ها را جنتی بر سرمایه پایه آن‌ها تعیین کرده است. طبق این دستورالعمل، حدود مشخص برای بانک آینده به شرح جدول ۱ است:

سال اول فعالیت بانک آینده حد جمعی رعایت شده؛ اما درصدا سهامی که بانک آینده در شرکت‌های خود دارد عمدتاً بالای ۵۰٪ بوده که خلاف مواد این دستورالعمل است. همچنین در مورد یک شرکت فولادی حد فردی رعایت نشده است (۵ میلیارد تومان بیش از حد مجاز). رویه‌ای که در چهارچوب قانونی برای ادامه این روند متصور می‌شود، واگذاری سهام شرکت‌های مرتبط با فعالیت بانکی به میزانی که سهم بانک نهایتاً ۴۹٪ از سرمایه ثبتی آن شرکت و واگذاری سهام شرکت‌های غیر مرتبط تا ۲۰٪ سرمایه ثبتی آن‌ها است؛ اما در عمل با فراز و نشیب واگذاری‌ها و تملیک مجدد این شرکت‌ها و شرکت‌های جدید، در سال ۱۳۹۸ میزان تخلف در حد جمعی سرمایه‌گذاری بانک آینده، به سه برابر حد مقرر می‌رسد. البته باید توجه داشت که این رقم، بعد از واگذاری‌های صوری این بانک از طریق فراهم کردن تسهیلات کلان برای خریداران سهام این شرکت‌ها کاهش زیادی تجربه نموده و در سال ۱۳۹۹، پس از تملیک مجدد توسط بانک (جابه‌جایی از سر فصل وثائق به سرمایه‌گذاری) به خاطر نکل شرکت‌های خریدار، میزان تخلف به ۲۳۴ برابر حد مجاز جمعی رسیده است و در مورد ۱۸ شرکت نیز از حد فردی تخلفی صورت گرفته است.

۴- همچنین به جهت مدیریت ریسک‌های عملیات بانکی، مقررات دقیقی ناظر به طبقه‌بندی دارایی‌های بانک‌ها (طبقه‌بندی تسهیلات با سه شاخص ۱، ۲، ۳). وضعیت مالی مشتری ۳. وضعیت صنعت، نرخ‌های ذخیره‌گیری (تعیین نرخ ذخایری که باید نسبت به کیفیت تسهیلات، توسط بانک محاسبه و

عملکرد این گونه بانک‌ها به ویژه بانک آینده را به علل مختلف از جمله کفایت سرمایه منفی و حجم بالای زیان انباشته و اضافه برداشت از بانک مرکزی، بررسی و واکاوی کرده و جمع‌بندی و استنتاجات خود را در قالب گزارش‌های سیاستی به اطلاع مراجع عالی ذی‌ربط رسانده‌اند. اکنون با گذشت ۱۰ روز از اعلام رسمی ورود بانک آینده به مرحله گزیر، درپرونده ویژه پیش‌رو تلاش شده است به برخی از مهم‌ترین زمینه‌ها، ابعاد و توابع مسئله پرداخته شود. بدیهی است علاوه بر این که مسئله بانک آینده موضوعی دارد، مهم‌تر آن است که با

که سندن آن‌ها به نام مؤسسه اعتباری در حال گزیر، سهامداران و یا مدیران مقصر یا منتم به تقصیر نیست، اما بانک مرکزی یا مدیر گزیر مبتنی بر قرآن و اماراتی مدعی‌اند که متعلق به مؤسسه مذکور/ سهامداران و یا مدیران است، توقیف کند مشروط به آنکه خود دادستان ادعای بانک مرکزی را مدیر گزیر رأی‌تید کند. بنابراین تشکیل پرونده علیه سهام‌دار عمده و سایر سهامداران و مدیران مقصر یا منتم به تقصیر امری ضروری و فوری است که می‌بایست در دستور کار دستگاه قضایی قرار بگیرد. همچنین طبق تبصره ۳ بند ۱۵ ماده ۸ برنامه هفتم «هرگونه تبانی در پرداخت تسهیلات کلان بانکی، از جمله تأمین مالی ترجیحی برای سهامداران خصوصی و سایر اشخاص مرتبط با مؤسسات اعتباری و عدم بازپرداخت تسهیلات کلان بانکی» مصداق اخلاف در نظام اقتصادی کشور است. از این رو لازم است علاوه بر موضوع جریان خسارت، پرونده یکفری علیه سهامدار عمده و افراد ذی ربط تشکیل شود. با توجه به ارتباطات و نفوذ گسترده سهامدار عمده در دستگاه و مراجع گوناگون لازم است این امر مستقیماً توسط رئیس قوه قضائیه پیگیری و نظارت شود، همان طور که ایشان تاکنون عزم جدی در حل وفصل بانک آینده داشته‌اند.

به موازات اقدامات قضایی فوق، لازم استست شرکت مدیریت دارایی ذیل صندوق ضمانات سپرده (که طبق بند ۸ ماده ۸ برنامه هفتم تشکیل می‌شود) در اسرع وقت اموال سهل البیع بانک آینده را فروخته و منابع حاصل از آن را به بانک ملی منتقل کند و مهم‌تر آنکه مشکلات حقوقی دارایی‌های سمی و غیر نقدش‌ونده بانک نظیر ایران مال، مشهد مال، هتل وارداتی روتانا و... را رفع کرده و ارزش گذاری‌های منصفانه و

تحت عنوان هزینه ثبت‌شود تا ریسک نکول و هزینه‌های آن مدیریت گردد(و در ضراب ناظر بر دارایی‌های ریسکی و وثائق مرتبط با هر کدام برای محاسبه سرمایه نظارتی بانک (قلمی که مبنای نسبت‌های نظارتی مثل حدود تسهیلات اشخاص مرتبط با تسهیلات کلان است) توسط بانک مرکزی تعیین شده و در دوره فعالیت بانک آینده بر شبکه بانکی حاکم بوده است.

حال سؤال اینجااست؛ چرا با وجود چنین قواعدی شاهد بروز پدیده‌ای به نام بانک آینده در نظام بانکی کشور هستیم؟

عامل اثربخشی این قواعد خوب چیست؟

علی‌رغم این که در سالیان اخیر به کرات کارشناسان به ضعف و کاستی‌های قانونی اختیارات بانک مرکزی (برای مثال جایگاه قانونی معاونت نظارت یا فقدان برخی ابزارها و از همه مهم‌تر گزیر؛ البته پیش از قانون جدید بانک مرکزی)، به‌عنوان چالش گلوگاهی نظام بانکی کشور اشاره می‌کردند، شایان‌ذکر است قواعدی که تحلیل حاضر به آن‌ها اشاره دارد، قواعد ناظر بر فعالیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است. در حقیقت می‌توان یک دسته‌بندی منطقی از قواعد شبکه بانکی داشت: ۱. قواعد ناظر بر تأسیس، ۲. قواعد ناظر بر فعالیت و ۳. قواعد ناظر بر احیا و گزیر. تحلیل‌های نام‌برده، عمدتاً به نقص و کاستی قواعد در دسته سوم تمرکز دارند. همچنین بدیهی است هر چندر قواعد بازی دقیق‌تر و سنجیده‌تر وضع شود، بانک مرکزی امکان بهتری برای تنظیم‌گری و نظارت خواهد داشت؛ اما به باور ما پژوهشگران، مشکل نظام بانکی کشور صرفاً فقدان قوانین و قواعد نیست، بلکه مشکل اصلی به ضعف یا عدم پیاده‌سازی و اعمال این قواعد بازمی‌گردد. هر چند قاعده خوب، به واسطه فقدان ظرفیت‌های اجرایی و ذبح ویراث شده و این فقدان، منجر به تضعیف اقتدار نهاد ناظر خواهد شد. نهاد ناظری که نظارت را به خود نظارت‌شوندگان سپرده، به حسن نیت آن‌ها اعتماد کرده و زیرساختی برای اعمال و نهادهین کردن قواعد خود ندارد، محکوم به ناکارآمدی است.

مسئله دومی که ممکن است طرح شود، پرسش از چرایی تفکیک دوره فعالیت بانک تا سال ۱۳۹۸ و پس از آن است. در همان بدو شروع فعالیت بانک آینده همان‌طور که بررسی شد، دارایی‌های غیر مولد و منجمد به‌همچنین ناترازی در آمد- هزینه وجود داشته و کماکان شبکه پیشین بانک تا نت نیز بر بانک آینده حاکم شده بودند. اما باید توجه داشت که اگر قواعد ناظر بر فعالیت (حدود مقرر تسهیلات کلان و اشخاص مرتبط و سرمایه‌گذاری‌ها، طبقه‌بندی و ذخایر عمومی و اختصاصی، کنترل و نظارت‌های داخلی، نظارت‌های بانک مرکزی و...) در همان موقع بر این بانک با اقتدار اعمال می‌شد، رویه‌های ناسالم کسب‌وکار این شبکه منجر به توسعه گسترش هر چه بیشتر آن نمی‌شد. ورود بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸ پس از نهادهنی شدن رویه‌های نام‌برده، پیچیدگی و درهم‌تنبیدگی شبکه بسته گروه مالی آینده و روابط تودرتوی آن اتفاق افتاد، درحالی که همان قواعد نوشته‌شده آن دوره برای جلوگیری از چنین پدیده‌ای کفایت می‌کرد.

در مورد قواعد نظارتی بررسی شده در بخش قبل، بانک‌ها یا ماهانه و یا نهایتاً هر سه ماه باید تمام جزئیات را گزارش کنند.^۲ همچنین باید ملزم به ایجاد بانک‌های اطلاعاتی شده و باید امکان بررسی تمام مدارک و اسناد در هر زمان را برای نهاد ناظر فراهم نمایند. همچنین سیستم کرپ‌کنینگ (core banking) بانک‌ها نیز استاندارد نبوده و البته هنوز هم استاندارد نیست؛ به بیان دیگر گویی هر بانک با زیان خود

مرومروشکافانه تجربه ۱۶ سال حیات این بانک، به‌ضغ‌ها و ناکارآمدی‌های نظام حکمرانی اقتصادی کشوری-سرده و از آن درس آموزی کرد. در چهار یادداشت این پرونده ویژه به اصلی‌ترین شاخص موفقیت فرایندگزیر، چند مورد از حواشی این بانک نظیر انتساب ریشه ناترازی بانک آینده به مداخلات نهاد ناظر از ۱۳۹۸، اقتصاد سیاسی حاکم برگروه مالی آینده و کلاف درهم‌تبدیه و پیچیده شرکت‌های مرتبط با این بانک و ظرفیت‌های قانونی و اجرایی مقام ناظر در نسبت با رویه‌های معیوب و متخلفانه بانک پرداخته شده است.

دقیق انجام دهد تا برای فروش مهیا شوند. به عنوان نمونه قرارداد ۲۰ ساله بهویرمداری ایران مال که بین شسرتک توسعه بین‌الملل ایران مال (مانک پروژه) و شرکت تجارت ایران مال (مجری پروژه) منعقد شده است حاوی بندهایی (به طور خاص بند ارزش افزوده) است که فروش ایران مال را دچار مشکل می‌کند. لذا لازم است این بند یا کل قرارداد ابطال و یا به نحو مقتضی اصلاح شود.

نکته پایانی آن‌که لغو مجوز بانک آینده توسط هیئت عالی بانک مرکزی به بشترانه احکام اخذشده از شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا قطعاً اقدامی روبه جلو و قابل تقدیر است و چنانچه سایر قطعات این پازل به طور خاص جریان زیان و نیز خسارت تحمیلی به کشور از اموال شخصی سهام‌داران و مدیران مقصر و نیز رفع مشکلات دارایی‌های بانک و فروش آن‌ها تکمیل شود می‌توان گفت که گزیر بانک آینده با موفقیت به سرانجام رسیده است در غیر این صورت باید اسم آن را گزیر بانک آینده (از جریان زیان‌ها و خسارت‌هایش به کشور) گذاشت نه گزیر! البته اظهار نظر مسئولان امر از جمله-رئیس قوه قضائیه، رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد نویددهنده تکمیل و به سرانجام رساندن گزیر بانک است. همچنین لازم به تأکید است اگر تعین تکلیف این بانک به این اندازه به تأخیر نباشد، قطعاً آسیب کمتری به اقتصاد کشور وارد می‌شد و حل وفصل آن نیز سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر بود. لذا تمامی افرادی که از ابتدای تأسیس بانک تا تات ادغام آن با چند مؤسسه و ایجاد بانک آینده تا امروز با فعل یا ترک فعل خود در هر جایگاهی (تنظیم‌گر، ناظر، بازرس، بازپرس، هیئت مدیره، مدیر عامل و...) در این زمینه نقش داشتند باید به دستگاه قضایی پاسخگو باشند.

به ثبت داده‌ها پرداخته و فرم‌های بانک مرکزی را پر می‌کند، در حقیقت شیوه نظارتی بانک مرکزی در آن دوره، زیرساختی بسیار قدیمی و سنتی داشته و گزارش‌دهی به‌صورت خوداظهاری، غیراستاندارد و بدون نیاز گزارشگری مشخص، توسط بانک‌ها صورت می‌گرفته است. باید پرسید که بانک مرکزی با محدودیت منابع و زمان، چگونه این حجم را داده را با آن شیوه‌ای سنتی، اعتبارسنجی و تأیید می‌کرده است؟ شیوه‌هایی که همان زمان هم در بسیاری از کشورها منسوخ بود و فرایند‌های خودکار و زبان‌های گزارشگری بر سیستم نظارتی حاکم شده بود. در دوره مورد بررسی، کماکان سامانه‌های نظارتی بانک مرکزی توسعه پیدا نکرده بود. سال ۱۳۹۳ ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی (ضوابط نحوه ایجاد و تکمیل سامانه‌های الکترونیکی در شبکه بانکی» را تصویب کرد. بر این اساس بانک مرکزی مکلف به استقرار کامل منظومه ۹ گانه سامانه‌های نظارتی تا پایان ۱۳۹۴ شد، سامانه‌هایی که پایه‌های نظارت الکترونیکی بر شبکه بانکی بودند. اما تا پایان دهه ۹۰ مهم‌ترین سامانه‌های نظارتی خاصه سمات، شاداب و مهتاب به عنوان مهم‌ترین ابزارهای مقام ناظر جهت کنترل و نظارت بر عملکرد شبکه بانکی فعال نشدند.

عبرت از آینده

در سال‌های اخیر تأکید زیادی بر ارتقای قوانین و قواعد بانکی صورت گرفته است و ما محصل آن را می‌توان در قانون جدید بانک مرکزی مشاهده کرد. اما قواعد خوب، مجری توانمند و بارداره نیز می‌خواهد و نباید با توسعه ظرفیت‌های قانونی، از عقب‌ماندگی‌های زیرساختی برای اعمال قواعد غفلت کرد. دامامی که نظام گزارشگری بانکی هوشمند نشده باشد و امکان نظارت بر بحث، خودکار و سیستمی پیدا نشود، بهترین قواعد نیز زیر پا گذاشته خواهند شد. نظام گزارشگری بانکی، مهم‌ترین زیرساخت برای ایجاد ظرفیت اجرایی نهاد نظارت است. در حقیقت ثبت داده‌ها به معنای ثبت واقعیت در شبکه بانکی است. نمی‌توان تمام اختیارات را به عاملین داد و صرفاً قواعد را به آن‌ها گوشزد نمود و دست‌آصل امکان ارزیابی و اعتبارسنجی وجود نداشته باشد. لذا تا زمانی که حکمرانی داده توسط بانک مرکزی مستقران نیابد، ظرفیت‌های اجرایی و امکان اعمال قواعد در این اکوسیستم پویا، پیچیده و در حال گسترش به‌صورت اثربخش ممکن نخواهد بود.

پی‌نوشت:

۱. مراجعه شود به یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی سال ۱۳۹۲ بانک در کدال. ۲. تسهیلات کلان به آن دسته از تسهیلات گفته می‌شود که مبلغ آن برای یک ذی‌نفع واحد، بیش از ۱۰٪ سرمایه پایه بانک باشد. حدود سقف مجاز فردی این قلم (۲۰٪ سرمایه پایه) برای بانک آینده در سال ۹۴ «۲۵۲ میلیارد» و در سال ۹۸ «۲۴۴ میلیارد» است. همچنین سقف مجاز جمعی نیز به ترتیب حدود «۱ همت» و «۱۷ همت» است. ۳. مراجعه شود به فصل «گزارش‌دهی» در دستورالعمل‌های نام‌برده.

سرمایه پایه بانک	۹۴۵۷۹۲ (میلیون ریال)	۱۴۰۱۵۹۵ (میلیون ریال)
حد جمعی سرمایه گذارها	۸۰۰۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰۰۰
حد جمعی سرمایه گذارها	۳۴۰۰۰۰۰۰	۶۴۰۰۰۰۰۰۰
حد فردی سرمایه گذارها	۱۶۰۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰۰۰
حد فردی سرمایه گذارها	۸۰۰۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰۰۰
حد جمعی سرمایه گذارها	۴۰۰۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰۰۰
حد جمعی غیربررسی طبق دستورالعمل	۱۶۸۱	۱۶۸۱

نوبت اول	آکهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دوم حله‌ای
پالايشگاه چهارم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارا قلام مودينز خود را با شرط ذیل به‌صورت برگزاری مناقصه عمومی دوم حله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تأمین نمایند:	
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۶۷۸۳۰۰۰۱۰۴
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای شماره ۲۴۰۱۰۳ مناقصه شماره ۹۴۳۱۲۰۴۳-RT
موضوع مناقصه/شرح مختصر اقلام درخواستی	COMBUSTOR CHAMBER & TURBINE BLADES خرید
مبلغ تضمین شرکت در فرایند رایج کار	۲۳/۵۹۶/۲۲۰/۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند رایج کار	تضمین شرکت در فرایند رایج کار به‌صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۳۳۴/۵۰۶۵۴۰ مورخ ۹۴/۰۹/۱۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۰۰۰۰۰۰/۱۱/۱۳۲۲/۱ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۱۴۰۴/۰۸/۱۸
آخرین مهلت بازگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (روزمه) در سامانه ستاد	۱۴۰۴/۰۹/۰۲
آخرین مهلت بازگذاری پیشنهادات فنی و مالی و ضمانت‌نامه در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به همراه برنامه زمانه‌ی از طریق سامانه ستاد ارسال می‌گردد.
آدرس مناقصه گذار	استان بوهر- شهرستان عسلو به - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - پالايشگاه چهارم - اداره خدمات کالا
بدهی است‌کلیه فرایند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (WWW.SETAD.IR) انجام پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچ گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPWG مراجعه یا با شماره و تلفن های ۶۴۷۱-۰۷۳۱۳۱۶۴۸ تماس حاصل فرمایند .	روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - شماره شناسه ۰۲۰۴۰۶۴۲

بدین وسیله اعلام می‌گردد سند خودرو پیکان سیستم: وانت:

تیسپ: i۰۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ به رنگ: سفید: شماره موتور:

۰۳۸۱۵۸ ۱۱۲۸۵۰ شماره شاسی: ۰۶۹۷۴۲۲۱۰ به شماره انتظامی:

۶۲ ایران ۲۸۱ به ۷۶ به مالکیت محمد حسن دوست شماره ملی

۰۶۲۸۰۴۰۴۲۸۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

ادامه در صفحه ۸